

ادامه از صفحه ۱۵

دوم اینجاست که می‌گویید بنا دارم آن فهم دانش آموز را که سالانه به معلم و مدرسه تحت عنوان بازاره آموزشی پرداخت می‌کنم به جای اینکه به دانش آموز پرداخت کنم مستقیم مابه‌ازای ثبت‌نام هر بچه به مدرسه پرداخت کنم. سوال این است که حجم زیادی معلم مستخدم آموزش و پرورش دارید. دوم مدرسه دارید، فرضا هر دو ۳۰۰ دانش آموز دارد. یک مدرسه به خاطر کیفیت آموزشی ۲۰۰-۱۰۰ دانش آموز به مدرسه دیگر می‌رود. یعنی یکی مدرسه ۵۰۰ تایی و دیگری ۱۰۰ تایی می‌شود. اولاً حجمی فضای آموزشی یک سمت خالی و یک سمت کم‌دارید، چطور می‌خواهید توزیع و تامین کنید؟

همچنین تعدادی معلمی در مدرسه خالی شده دارید که موظف هستید بدان حقوق دهید چون استخدام کردید. قانون می‌گوید تا ۳۰ سال استخدام کردید. یا این معلمی که حقوق او را مستقیم در مدرسه دیگری واریز کردید چطور می‌خواهید مواجه شوید؟ چطور می‌خواهید حقوق آن را تامین کنید؟ در مدرسه‌ای که ۳۰۰ دانش آموز آن ۵۰۰ دانش آموز شده فضای فیزیکی در آن مدرسه کم دارید و در یکی معلم کم دارید. معلم را چطور می‌خواهید تامین کنید؟ اینها از جمله مسائلی است که مسائل بنیادینی است و این عزیزان ستاد تحول دولت تصویر می‌کنند درباره ۵۰۰ مدرسه حرف می‌زنند

وقه می‌در این باره ندراند که در باره ۱۱۰ مدرسه صحبت می‌کنند. اینها برای شناختن محیط مدرسه است. در ستاد تحول دولت عزیز حرفی می‌زند که خیلی عجیب است. به اومی گوئیم سیستم به هم می‌ریزد می‌گوید ما هستیم که سیستم به هم بریزد. یعنی می‌دانند سیستم را به هم می‌ریزند ولی چشم به این حقیقت بستند که در مفهوم مردمی سازی با هم دیگر اشتراکی داریم یا خیر و فهم مشترکی ایجاد شده یا خیر، اینها در دل این آقایان جا نیفتاده است و چشم بسته اند بر همه اشتباهات و نقدهایی که بر سند انتظارات وجود دارد. سند تحول دولت ۵ صفحه‌ای منحصراً بخش آموزش و

آموزش و پرورش است. آقای رئیس سندى را مبتنی بر آن تحت عنوان سند انتظارات دولت در ۲۹ دی ماه به آقای نوری ابلاغ کرده است. الان مسئول آن آقای آذری است که متأسفانه ایشان هم یک‌روز به مدرسه نرفته است. سال ۹۸ آزمون استخدام داده است. آقای حاجی میرزایی روز اول از دانشگاه شریف دفتر نظارتی برده است؛ یعنی یک روز سابقه مدرسه رفتن ندارد که بداند مساله مدرسه کجاست و چطور باید این مساله را حل کند. لذا ما معلم‌ها در ستاد تحول دولت مستقر هستیم و حکمرانی می‌کنند. متأسفانه هیچ فهمی از سند انتظارات دولت است یا آقایان دولت معتقدند به

مختلفی که به سند انتظارات دولت می‌خورد در بخش آخر اشاره‌ای به سند تحول بنیادین داشتند که فرمودند سندى موزی با سند تحول نیاروید و معلم‌ها را متخیر نکنید. آقای رئیسى در سخنرانی بعدی خود گفتند سند انتظارات دولت برنامه‌ای برای اجرایی سازی سند تحول است. چند سوال داریم که بالاخره رهبر انقلاب حرفی می‌زنند احتمالاً ملامتی داشتند و نسبت به این موضوع دقیق ببوند که چنین چیزی وجود خارجی دارد یا منظور سند ۲۰۳۰ است که خیلی زشت است که این دولت بخواهد سند ۲۰۳۰ را اجرا کند یا منظور مشخصاً سند انتظارات دولت است یا آقایان دولت معتقدند به

آقا اخبار غلط می‌رساندند. یعنی آقای مبتنی بر خبر غلط این فرمایش را داشتند. آقا مشخصاً سندی را گفتند که ابلاغ شده و معلم‌ها را گفتند متخیر کرده است. اگر این آقایان ادعا می‌کنند رهبر انقلاب به عنوان سیاستگذار کلان کشور فرامین و نصایحی دارند که باید در امورات کشور جاری شود، به جای لجاجت و خوددستی تمکین به فرمایش عقلایی حضرت آقا کنند و حکومتی حاکمیت را از مدرسه بگیرد؟ اتفاقی است که سال‌های بعد همین عزیزان کاسه چه کم چه دست می‌گیرند که به نام مردمی سازی مدرسه و تعلیم و تربیت را واگذار کردند و هیچ حاکمیتی بر مدرسه وجود ندارد.



با تغییر پوسته کنکور نمی‌توان ادعای استقرار عدالت آموزشی کرد

عادل برکم هم در ارتباط با دو موضوعی که بالاتر گفتیم و چک و چانه‌هایش را در نیم ابتدا سراغ ماجرای سهم آزمون نهایی در کنکور رفت و به «فرهنگستان» گفت: «یکی دو سال پیش با همین عنوان مصاحبه‌ای داشتیم. این مباحث تکراری است. قبل از اینکه اجرا کنند یکی دو مرحله این مباحث را بیان کردیم و همان‌ها نیز اتفاق افتاد، یک‌سری ترس‌ها داشتیم و اتفاق افتاد. باز هم همین است. در مورد جایگزینی امتحان نهایی به جای کنکور مساله اول این است که اصطلاحی که در سنجش و ارزشیابی گفته می‌شود این است که امتحان نهایی یا امتحان تشریحی ۲۰ نمره‌ای، قابلیت تفکیک‌پذیری و اینکه بتوانیم شاخص خوبی بین یک میلیون دانش آموز بگذاریم به ما نمی‌دهد. شما اینجا نمره را از صفر تا ۲۰ یا پله‌های ۰/۲۵ لحاظ کنید، آنچنان درصد تفکیکی به شما نخواهد داد. همچنین بحث تصحیح هم مطرح است. این خیلی خوب است که امتحان نهایی برای دانش آموز مهم باشد و سر این داستان هم بحث نداریم ولی ضریب و وزنی که امتحان نهایی دارد اگر ۹۰ درصد هم باشد و ۱۰ درصد کنکور باشد؛ وقتی تفکیک‌پذیری در بحث کنکور است، باز وزن خود را خواهد داشت و این بازی با کلمات است و امر غیر قابل اجراء است. ما با اعداد و ارقام و بازی با کلمات می‌خواهیم ثابت کنیم این مساله شدنی است. این نکته اول که قابلیت اینکه کنکور بی‌تاثیر شود وجود ندارد. اتفاقات مثبتی در این تغییر بوده است، از جمله اینکه دروس عمومی حذف شده است. به نوعی می‌توان گفت مثبت است. یکی با نگاه نفاذانه بگوید چرا دانش آموز به دروس عمومی توجهی نمی‌کند؟ چون اگر در سال‌های گذشته توجه می‌کرد من باب این بود که در کنکور می‌آمد. وقتی سیستم کنکور محور است و از دروس اختصاصی سوال می‌آید، جنبه مثبت این بود که تمرکز بچه‌ها روی دروس اختصاصی است و نیاز به مطالب کم‌ک آموزش نمی‌دارند و بازار مافیا محدود به دروس اختصاصی می‌شود. اینها از جمله مسائل مثبت بود ولی در این داستان هم نکات منفی وجود دارد. بپذیریم این اتفاق خواهد افتاد با فرض غلطی که امتحان نهایی موثر است، بازار لحاظ عدالت آموزشی در نظر بگیریم و تمرکز را روی امتحان نهایی بگذاریم اوضاع بدتر می‌شود. شما اگر می‌گفتید دروس کنکور محتوای آموزش تستی دارد و یک‌سری موسسات باید تهیه شود، فرصت رقابتی می‌بود ولی وقتی با این فرض غلط که مدرسه مهم می‌شود و امتحان نهایی اهمیت دارد، کیفیت که در همه مدارس یکسان نیست. بحث عدالت آموزشی به این سادگی نیست که تغییر شیوه کنکور یا پوسته‌ظاهری کنکور



بدهیم که عدالت آموزشی را محقق کردیم. در بحث عدالت آموزشی باید ببینید همه دانش آموزان ایران دسترسی به آموزش دارند یا خیر. بخش قابل توجهی از دانش آموزان شناسنامه ندارند و اگر شناسنامه ندارند دسترسی به آموزش ندارند یا دسترسی به آموزش دارند، امکان تحصیل ندارند. فرض کنید می‌خواهیم بین کسانی که امکان تحصیل داشتند این را لحاظ کنیم. اصلاً کیفیت مدارس و توزیع امکانات آموزشی برابر نبوده و نصیب از امکانات آموزشی در کشور برابر نیست. این موضوع کمکی به عدالت آموزشی نمی‌کند و فضا را کمی تغییر می‌دهد و ما یکی دو سال باید منتظر تغییر باشیم که ببینیم تغییر نتیجه مطلوب خواهد داشت یا نخواهد داشت. موضوع این است که نتوانیم راه موفقیت نظام آموزشی را کنکور بدانیم و مسیرهای جایگزین نداشته باشیم و به نوعی شکل‌گیری دانشگاهی که فقط فروش مدرک است و در نظام آموزشی کنکور محوری لحاظ می‌شود، نتیجه محوری هم اهمیت پیدا می‌کند که در بحث‌های تربیتی و در عدالت آموزشی تاثیرگذار است. وقتی می‌گویید مسیر موفقیت همه را رسیدن به موقعیت اجتماعی، اقتصادی از طریق کنکور و دانشگاه رقم بزیند پیچیدگی موضوع دوچندان می‌شود. اگر مسیر مثل توجه به رشته‌های فنی و حرفه‌ای، مثل متعادل شدن بازار کار به لحاظ جایگاه اجتماعی، مثل عدالت در حقوق اجتماعی و دستمزد، و این سری امور اتفاق افتد خیلی ولع یا خیلی تقاضایی که برای یک‌سری رشته‌های خاص وجود دارد که ما مجبور شویم کنکور برگزار کنیم، وجود نخواهد داشت یعنی آن نیاز خیلی کمتر خواهد شد و در آن شرایط تصمیم‌گیری و سیاستگذاری راحت است اما در شرایط کنونی خیلی مساله حساسی است یعنی مساله‌ای است که با آینده زندگی چند هزار یا میلیون‌ها دانش آموز و خانواده درگیر است. خیلی جای آزمون و خطا نیست که بخواهیم طرح بگذاریم که این بار با اعداد و ارقام هرچند داده ارائه نشده و فقط در جلسه بیان شده است و احتمالاتی داده شد- بخواهیم اجرایی کنیم. برای برون رفت از این وضعیت راهکار فوری که وجود ندارد. ما اساساً دنبال اینکه راهکار فوری پیدا کنیم، نیستیم و با این سیاست‌ها کاری جز پیچیدگی مساله نمی‌کنیم. هیچ وقت نباید دنبال راهکار فوری بود ولی باید مساله شناخته شود. یعنی مساله کنکور یک بیماری است. یعنی نتیجه یک نظام نابرابر اقتصادی بیرون از نظام آموزشی است که همه را مشتاق کرده است و دغدغه اصلی کنکور تجربی است. باید این سوال جواب داده شود که چرا دغدغه کنکور تجربی شده است؟ همه آنهایی که کنکور تجربی شرکت می‌کنند استعداد

ایده آموزش پته‌ای یا کوپنی خلاف عدالت آموزشی است

برکم در ادامه و با اشاره به ماجرای آموزش کوپنی گفت: «ایده آموزش کوپنی همان چیزی بود که آقای باغ‌گلی گفت و همان زمان گفتم این ایده آقای میلتون فریدمن است، قبلاً هم اجرا شده است. سال ۹۴ گفتند مدارس خرید خدمات باشد. ساده‌شده ایده آموزش کوپنی بود که در شیلی اتفاق افتاد. بالغ بر ۶۰-۵۰ تویبت دارم. یکبار مستند شیلی را زینتویس کردم. در این حد کار کردم. چند مطلب نوشتم که سایت نسیم هم منتشر کرد. من نوشتم که این ایده از کجا آمد و چطور می‌خواهند اجرا کنند. این ایده قطعاً خلاف عدالت آموزشی است. کشور را شبیه شیلی و مکزیک کردند. ما هم اجرا کردیم. سال ۹۴ در ایران مدارس خرید خدمات بود که ایده آموزش کوپنی بود. این کوپنی بود که دولت مستقیم می‌داد و الان می‌گویند شما بگویید بریزند یا از آن‌ور بارانه بدهند. در هر صورت آموزش کوپنی و پته‌ای است و آقای باغ‌گلی گفت و علیه ایشان هم حمله وارد شد و رای نیارود. یکی از دلایلی که برجسته شد همین بود. اینها نیز اجرا می‌کنند چون در سند آموزش و پرورش آمده است و سند تحول آموزش و پرورش در نظام تامین مالی گفته ۲۵ درصد باید شود چون مبنای سند تحول هم گفته مکانیسم بازار است و هر چادر آموزش و پرورش بنویسند مکانیسم بازار، قطعاً منظور این نیست که کلاً پولی کنیم. می‌گویند برای اینکه رقابت بین مدارس ایجاد شود آموزش کوپنی راه بیفتد. همان ایده‌ای است که در شیکاگو آمد و در شیلی اجرا کردند و در آمریکا ۵-۶ درصد مدارس چارتی همین است. بر این اساس ایده شکل گرفت و در ایران هم مدارس خرید خدمات بود، یعنی چیز جالبی نیست. همیشه می‌گفتند این برای سند ۲۰۳۰ است و همیشه می‌گفتم ربطی به این سند ندارد و سند ۲۰۳۰ را کشورهای زیادی اجرا می‌کنند ولی این مدل را ندارند. این در سند تحول است و آدرس را هم بیان کردم. هم در مبنای نظری مکانیسم بازار آمده و هم در نظام تامین مالی گفته شده ۲۵ درصد مدارس از این برون‌سپاری طریق شوند. این کار چیزی جدیدی نیست و انجام هم می‌دهند.»

